

دانش روابط بین‌الملل در عصر نوین جهانی: بررسی تغییرات از سه منظر هدف، موضوع و روش

افشین زرگر*

چکیده

در عصر حاضر جهانی شدن، کل ساختار دانش متحول گردیده است و دانش روابط بین‌الملل نیز وارد فاز جدیدی از روند تکاملی خود شده است و ساختار و ماهیت آن از سه منظر هدف، موضوع و روش عمیقاً متحول گردیده است. این مقاله سعی دارد با توجه به این سه عنصر اساسی، تغییر و تحولات صورت گرفته در دانش روابط بین‌الملل کنونی را مورد بررسی قرار داده و چارچوب و پایه‌های اولیه برای مطالعات بیشتر و سازمان یافته‌تر فراهم نماید. این مقاله، در پایان این سؤال را در ذهن من پروراند که چه ارتباطی را می‌توان بین نظم یا بی‌نظمی حاکم بر نظام بین‌الملل و نظریه روابط بین‌الملل ترسیم کرد؟ این سؤال منتج از این نوشتار، آغازی برای تلاشی دیگر خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

در عصر پر تلاطم کنونی که به واسطه عوامل مختلف به ویژه تشدید روند جهانی شدن، همه چیز رنگ تغییر و تحول به خود گرفته است. کل ساختار نیز به طور گسترده‌ای تحول یافته و ساختارها و نیروهای فکری جدیدی به ویژه در زمینه رشته روابط بین‌الملل کنونی در بسیاری از زمینه‌ها تفاوت‌های بارزی با گذشته - (قبل از پایان یافتن جنگ سرد و تشدید روند جهانی شدن) - دارد و اگر بخواهیم دقیق‌تر بیان کنیم، به شدت و به طور گسترده‌ای

* دانشجوی دوره دکتری دانشگاه تهران.

تغییر و تحول یافته و پیچیده‌تر شده است. هر دانشی را می‌توان از سه منظر «هدف»، «موضوع» - یا موضوعات مورد توجه آن - و «روش»^(۱) مورد مطالعه و بررسی قرار داد و بر اساس همین تقسیم‌بندی در طی این نوشتار، سعی خواهد شد که تغییر و تحولات شگرف در روابط بین‌الملل در یک قالب کلی مورد بررسی قرار گیرد. در واقع اگر از این سه منظر به مطالعه روابط بین‌الملل بپردازیم، خواهیم دید که آنچه در دوره پس از جنگ سرد به نام رشته روابط بین‌الملل مطرح است، بسیار متفاوت از دوره قبلی است.

علل و عوامل متعددی را می‌توان در بروز تغییر و تحولات جدید در حیطه این رشته مورد علاقه قرار داد ولی بدون شک عامل مهمی که تمام علل و عوامل دیگر را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ «تشدید روند جهانی شدن» است و براساس همین عامل، هدف این نوشتار بررسی تأثیرات جهانی شدن بر دانش روابط بین‌الملل می‌باشد و به گونه ای تلاش خواهد شد تا به این سوال پاسخ داده شود که جهانی شدن از چه طریقی موجب بروز تغییر و تحولات شگرف در دانش روابط بین‌الملل شده است؟ و رشته روابط بین‌الملل در عصر جهانی شدن از منظر هدف، موضوع و به ویژه روش چه ویژگی‌هایی دارد؟

انگیزه اصلی تفکر من، درباره این موضوع و تدوین و تنظیم مطالبی در این باره این بوده است که عمده‌تأثر در آثار و سخنان دانشگاهی مختلف مکرراً اشاره به تغییر، تحول و حتی به بحران رسیدن رشته روابط بین‌الملل می‌گردد ولی به ندرت به چگونگی ارتباط تغییرات رخ داده با علل و عوامل اصلی (به ویژه جهانی شدن) به طور سازمان یافته و منسجم پرداخته می‌شود. در این نوشتار تلاش می‌گردد که در حد توان و امکان به این نکته توجه گردد و به طور مفصل تغییرات رخ داده در زمینه رشته روابط بین‌الملل در ارتباط با جهانی شدن و آثار آن مورد بررسی قرار گیرد. البته لازم به توضیح است که به هیچ وجه این نوشتار معتقد به تک بعدی و تک علتی نگاه کردن به تغییرات رخ داده نبوده و همان گونه که قبلاً نیز ذکر گردید، علل و عوامل مختلفی چه در شکل ساختارها^(۲) و چه شکل کارگزاران^(۳) و چه به

۱- این چارچوب را از سخنان دکتر علی اصغر کاظمی در کلاس درس روش‌شناسی برگزفتم و در واقع این نوشتار براساس این چارچوب تنظیم شده است.

دانش روابط بین‌الملل در عصر نوین جهانی ❖ ۱۹۹

صورت روندهای شدت یافته، تأثیر گذار بوده‌اند ولی در میان همه عوامل «تشدید روند جهانی شدن» از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ بسیار مهم و تعیین کننده‌تر بوده است. سازماندهی این نوشتار نیز بدین گونه است که کل مطالب در سه بخش ارائه می‌گردد. در بخش اول براساس همان تقسیم بندی اشاره شده در مورد دانش یعنی «هدف»، «موضوع» و «روش» به توصیف دانش روابط بین‌الملل در دوره قبل از فروپاشی نظام جنگ سرد پرداخته می‌شود. در بخش دوم موضوع جهانی شدن و آثار آن به ویژه در زمینه هایی که شدیداً با دانش روابط بین‌الملل ارتباط نزدیک دارد، مورد فهم و تفسیر قرار می‌گیرد. البته در ابتدای این بخش به علل و عوامل و گرایش های مختلف تأثیر گذار - که تا حدود زیادی نیز با روند جهانی شدن در ارتباط نزدیک می‌باشند - اشاره می‌گردد.

در بخش سوم و براساس همان تقسیم بندی سه گانه، ویژگی های دانش جدید و متحول روابط بین‌الملل را با توجه به تأثیرات جهانی شدن مورد بررسی قرار خواهیم داد. در بخش سوم این نوشتار سعی خواهد شد، به طور مبسوط روش شناسی نوین در روابط بین‌الملل و تحولات صورت گرفته در آن مورد بررسی قرار گیرد. در پایان نیز در طی یک نتیجه گیری، نتایج کار به صورت دسته بندی شده ارائه و در نهایت به دورنمای رشته روابط بین‌الملل در عصر جدید و ارج و اهمیت آن در جهان معاصر پرداخته می‌شود.

چارچوب کلی این نوشتار

نوزایی دانش روابط بین‌الملل

در دوره پس از جنگ سرد

دوره پسامدرن



دانش روابط بین‌الملل

در دوره جنگ سرد

و قبل از آن (دوره مدرن)

بخش اول: دانش روابط بین‌الملل در دوره جنگ سرد

شکل‌گیری رشته روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته نسبتاً مستقل، مجزا و منسجم به دوره بعد از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم و به طور مشخص میان دو جنگ جهانی، به تدریج زمینه رشد این رشته مطالعاتی فراهم گردید ولی عمدتاً در آن دوره در چارچوب رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، تاریخ و تاریخ دیپلماسی قرار داشت^(۱) روابط بین‌الملل به طور سنتی به مطالعه رفتار بین دولت‌ها می‌پردازد و به طور دقیق آغاز آن به اواخر دهه ۱۹۱۰ در تلاش برای فهم سیر روند حوادثی که منجر به جنگ جهانی اول شد، باز می‌گردد.

این رشته با این سؤال آغاز شد که «چرا دولت - ملت‌ها به سوی جنگ سوق پیدا کردند؟ در حالی که از پیش مشخص بود که دستاوردهای اقتصادی حاصله از جنگ هرگز از هزینه‌های ناشی از آن بیشتر نخواهد بود»^(۲) در واقع تجربه مصیبت بار جنگ جهانی اول و جنگ‌های متعدد و ویرانگر گذشته، موجب گردید که موضوع جنگ و صلح در مرکز توجه محققین این حوزه قرار گیرد. بنابراین موضوعات اصلی، هدف اولیه این قلمروی مطالعاتی در حال شکل‌گیری تلاش برای جلوگیری از وقوع جنگ و حفظ صلح و امنیت بود. این هدف با جو دانشگاهی پس از جنگ جهانی اول کاملاً همخوانی داشت و این موجب ظهور و غلبه آرمان‌گرایی در مرحله آغازین تکوین روابط بین‌الملل گردید. «به گفته ادوارد کار، روابط بین‌الملل از دل جنگی بزرگ و مصیبت بار سربرآورد و هدف اصلی که بر اندیشه پیشگامان این دانش جدید استیلا داشت و به آنها الهام می‌بخشید، مرتفع ساختن امکان بروز مجدد این ناخوشی در پیکر جامعه سیاسی بین‌الملل بود.»^(۳) آرمان‌گرایان با تأکیدی که برقراری صلح از طریق تفاهم، حقوق و هنجارهای بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی

۱- سریع القلم، محمود، سیر و روش و پژوهش در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱، ص ۱۳.

2. ú Verkade , Jan simon , A crisis in international relations ? , Dublin City University, In: <http://home . Kabelfoon . NI/Verkadej/downloads ipe.pdt .>

۳- دونرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶، ص ۳۱.

داشتند.^(۱) روش‌های تجویزی را در کارهای خود به کار می‌بستند و در واقع براساس آرمان‌ها و بایدهایی که بدان‌ها معتقد بودند، به تفکر می‌پرداختند.^(۲) و در نهایت شکست جامعه ملل و وقوع جنگ جهانی دوم، موجب تضعیف نظریات آرمان‌گرایان گردید و واقع‌گرایی، خود را به عنوان پارادایم مسلط مطرح نموده و موجب رشد چشمگیر رشته روابط بین‌الملل و ظهور آن به عنوان یک رشته نسبتاً مستقل و مجزا گردید. در واقع رشته روابط بین‌الملل بخش اعظمی از پیشرفت خود را مدیون آثار و نظریه‌های واقع‌گرایان است. استفانوگوتزینی^(۳) معتقد است که «نظریه‌پردازان واقع‌گرا بیشترین سهم را در شکل دادن به رشته روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته مستقل علمی داشته‌اند. در حقیقت تحت نفوذ واقع‌گرایان در علوم اجتماعی ایالات متحده آمریکا بود که روابط بین‌الملل به مثابه یک حوزه مطالعاتی مجزا در محافل آکادمیک این کشور پذیرفته شد... از دیدگاه وی نقش رئالیسم در شکل‌گیری یک پارادایم روابط بین‌الملل بسیار زیاد و محوری بوده است.»^(۴) در طول دوره جنگ سرد رئالیسم پارادایم غالب در عرصه روابط بین‌الملل بود و عمده تحقیقات، مطالعات و نظریه‌پردازی‌ها در این قالب فکری صورت می‌گرفت.

در دوره جنگ سرد، نظریه‌ها و چارچوب‌های فکری مختلفی برای مطالعه در قلمرو روابط بین‌الملل مطرح گردیدند و به جز رئالیسم و خلف آن - یعنی ثئورئالیسم (نظریه واقع‌گرایی ساختاری کنت و آلتن) - نخله‌های دیگری چون لیبرالیسم و نئولیبرالیسم، مارکسیسم و... در رشته روابط بین‌الملل مطرح بوده‌اند و پرداختن به اصول، مفروضات و نظرات تمام آنها نیاز به کار جداگانه و گسترده‌ای دارد و با توجه به هدف این نوشتار و برای جلوگیری از به بیراهه کشیده شدن این متن، تلاش می‌شود براساس همان تقسیم‌بندی مورد نظر این نوشتار - یعنی «هدف»، «موضوع» و «روش» - در رشته روابط بین‌الملل در طی دوره جنگ سرد

۱- براساس همین تأکید آرمان‌گرایان بر حفظ صلح و امنیت از طریق حقوق و هنجارهای بین‌المللی بود که جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول شکل گرفت.
۲- سریع‌القولم، محمود، همان، ص ۱۷-۱۶.

3. Stefano Guzzini .

۴- دیوتا، ریچارد و دردیان، جیمز، نظریه انتقادی، پست مدرنیسم، نظریه‌های مجازی در روابط بین‌الملل، ترجمه حسین سلیمی، تهران، نشر گام نو، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۱۹.

۲۰۲ ❖ دانش روابط بین‌الملل در عصر نوین جهانی

مطالب، به طور طبقه‌بندی شده و مشخص ارائه گردد.

الف - هدف دانش روابط بین‌الملل در دوره جنگ سرد

میشل فوکو - متفکر شهیر فرانسوی - در نقد دانش مدرن و در موضوع ارتباط دانش و قدرت می‌گوید: در هر دوره تاریخی یک ذهنیت مسلط وجود دارد که در چارچوب آن علم، ارزش و اخلاق معنی می‌گیرد؛ در حالی که نه علم، نه ارزش و نه اخلاق هیچ یک فی‌نفسه وجود ندارند و تنها عناصری از ذهنیت مسلطی هستند که قدرت‌های مسلط هر دوره آن را پدید آورده و باز تولید می‌کنند.^(۱) جنگ سرد خود ذهنیت مسلطی بود که حاصل تعاملات دو ابر قدرت و پیرامون آنها در رأس ساختار هرم قدرت جهانی بود و این ذهنیت مسلط به ماهیت دانش روابط بین‌الملل نیز شکل می‌داد. کرونین در این باره می‌گوید: «دقیقاً بدین خاطر که جنگ سرد خود یک نظم بود، مستلزم توافقی ضمنی بود که روابط بین‌الملل، چارچوب اقتصاد جهانی و ترتیبات سیاسی داخلی را منسجم می‌ساخت. از این رو پایان آن در حقیقت از اهمیت تاریخی جهانی برخوردار است.

در این دوره متأثر از نظم حاکم - یعنی جنگ سرد - اغلب تئوری‌ها در چارچوب دانش روابط بین‌الملل، «چگونگی حفظ نظم موجود»، نظمی که براساس تعاملات قدرت‌های بزرگ تعریف می‌گردید را در مرکز توجه خود قرار می‌دادند و در واقع هدف اصلی دانش روابط بین‌الملل در این دوره (و البته در دوره قبل از جنگ جهانی دوم نیز به چشم می‌خورد) حفظ نظم موجود بود. جیمز فرگوسن در طی مقاله‌ای با عنوان «سیاسیت جهانی جدید» اظهار می‌دارد:

«توجه به سیاست قدرت و محور قراردادن دولت، به ویژه در نزد رئالیست‌ها - موجب شد که به روابط بین‌الملل، به خصوص در ایالات متحده و بریتانیا، به عنوان یک حوزه مطالعاتی امور خارجه، روابط خارجی و سیاست خارجی نگریسته شود و از این رو روابط بین‌الملل به طور عمده به عنوان حوزه‌ای برای چگونگی تدوین و تجویز مناسب سیاست خارجی مطالعه می‌گردید. به عنوان مثال چگونه ایالات متحده می‌توانست کنترل هژمونیک

دانش روابط بین‌الملل در عصر نوین جهانی ❖ ۲۰۳

خود را بر خلیج فارس حفظ کند و یا چگونه از طریق طرح‌های مختلف به عنوان فصل نزاع در خاورمیانه بزرگ کمک کند و یا به عنوان قدرت برتر در اقیانوس آرام باقی بماند یا چگونه می‌توان دیگر ملت‌ها تحت تسلط قرار داد.^(۱) همان‌گونه که از سخنان محقق فوق به روشنی بر می‌آید، تئوری‌های روابط بین‌الملل در این دوره عمدتاً در راستای منافع و حفظ قدرت و امنیت قدرت‌های بزرگ طراحی شده بودند و عمده توجه آنها به تعاملات قدرت در رأس ساختار هرم نظام بین‌الملل متمرکز بود. این خود اشکال و نقص تئوری‌های مطرح در روابط بین‌الملل بوده و همان‌گونه که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، مورد نقد مکاتب جدید مانند پست مدرنیسم و تئوری انتقادی قرار گرفته است. براساس غلبه همین هدف بر دانش روابط بین‌الملل بوده است که نظریه روابط بین‌الملل، عاجز از پرداختن به بازیگران و گروه‌هایی به حاشیه رانده شده مانند کشورهای جهان سوم بوده و این نقص بزرگ نظریه روابط بین‌الملل بوده است.

ب- موضوع محوری روابط بین‌الملل دوره جنگ سرد

از بدو پیدایش رشته روابط بین‌الملل، محوری‌ترین موضوع مورد مطالعه دولت - ملت و تعاملات دولت‌ها با یکدیگر بوده است. در مجموع تمام نظریه‌ها و چارچوب‌های فکری عقل‌گرا به گونه‌ای دولت - ملت را به عنوان واحد اصلی و اولیه روابط بین‌الملل مورد تأکید قرار داده‌اند. «عقل‌گرایان معتقدند که جامعه بین‌الملل شامل دولت‌هایی است که رفتارشان به وسیله عرف، قانون و تعهداتی محدود می‌شود که تعاملات میان خود را رعایت می‌کنند.»^(۲) چه رئالیسم که به عنوان پارادایم فکری مسلط در طول جنگ سرد مطرح بود و چه نئورئالیسم «دولت‌ها را مهم‌ترین بازیگران صحنه بین‌الملل، و در نتیجه مهم‌ترین واحد

1 - Ferguson, James, "The new global politics: alternative outlook in a period contested globalisation", Bond University Ceueensland

Australia in: <http://www.international-relations.com/wbadvir/WBADVIR-lecl-203-htm>.

۲- کاظمی، علی اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری - معرفت‌شناختی) تهران، نشر قومس، ۱۳۸۰، ص

تحلیل در تبیین روابط بین‌الملل می‌شناسد. از نظر هواداران این دو نظریه، مطالعه روابط بین‌الملل در واقع مطالعه روابط بین دولت‌ها است.^(۱)

لیبرالیسم و نتولیرالیسم نیز از منظر متعادل‌تری دولت و روابط وانگیزه‌های رفتار دولت را در کانون توجه خود قرار می‌دهند و لیبرالیسم با نگرش خوش بیان‌های که دارد، معتقد است روابط بین‌الملل به طور طبیعی در یک جهان متشکل از دولت‌های دموکراتیک و مشارکتی موزون می‌گردد. نهادگرایی نتولیرال نیز (دولت را به عنوان نماینده مشروع جامعه مسلم فرض کرده و حتی برخی از آنان بازیگران غیر دولتی را تابع دولت می‌دانند).^(۲) براساس همین تمرکز، توجه بر دولت و رفتار این بازیگر محوری است که سایر موضوعات در ارتباط با آن مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع به گونه‌ای می‌توان گفت نزدیک با مفهوم دولت - ملت شکل یافته‌اند؛ از جمله موضوع آنارشی (که مورد تأکید هم نئورئالیست‌ها و هم نتولیرالیست‌ها است)، جنگ و صلح، سازمان‌های بین‌الملل، اتحاد و ائتلاف، نظام بین‌الملل و ساختارهای حاکم بر آن و...

در واقع از ابتدا روابط بین‌الملل در اصل به عنوان روابط بین‌الملل مطرح بوده است. جیمز فرگوسن در این باره معتقد است: «روابط بین‌الملل همان گونه که از اصطلاح «بین‌الملل» آشکار می‌گردد، یک رشته‌ای بوده که از ابتدا خودش را متوجه روابط مابین دولت‌ها نشان داده است. از این رو این رشته با موضوعاتی نظیر جنگ، دیپلماسی و سیاست قدرت درگیر بوده است. این موضوعات «سیاست اولی» به عنوان مهم‌ترین شکل‌دهندگان جهانی گذشته، حال و آینده مفروض تلقی شده‌اند. دولت در محور توجه بوده زیرا آن به عنوان بازیگر اصلی مطرح بوده است. با پیامدهای مصیبت بار جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم - موضوع اصلی که مورد توجه قرار گرفت - موضوع قدرت بود که مورد توجه متفکران نظیر هانس موردگنتا - سیاستمدارانی نظیر هنری کیسینجر و مکتب نئورئالیسم قرار گرفت؛

۱- حاجی یوسفی، امیر محمد، (مفهوم سازی‌های مختلف دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه‌های رابرت کاکس)

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره - ۱۴۵، ۱۴۶، مهر و آبان ۱۳۷۸، ص ۱۱۶

۲- قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲

مخصوصاً در طی رقابت ابرقدرتها - ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی - در طول جنگ سرد.»

ج- روش در روابط بین‌الملل دوره جنگ سرد

از آن جایی که در طی بخش پایانی به طور مفصل‌تری به روش‌شناسی در روابط بین‌الملل و تحولات صورت گرفته در آن - به ویژه در دوره تسریع روند جهانی شدن - پرداخته خواهد شد؛ لذا در این جا تنها به طور مختصر به چارچوب غالب بر روش‌شناسی در روابط بین‌الملل در دوره جنگ سرد پرداخته می‌شود. در مجموع «روش‌شناسی مدرنیستی به طور گسترده‌ای بر معرفت‌شناسی ای استوار بوده که فلسفه دانش است. دو رهیافت معرفت‌شناسی که می‌توان در این دوره از یکدیگر تمایز داد، عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی است. به طور خلاصه در جملاتی ساده: عقل‌گرایی اصول را از طریق استدلال منطقی در تلاش برای یافتن یک مدل جهان شمول که با واقعیت تطابق دارد، تعریف می‌کند، در حالی که تجربه‌گرایی بر مشاهده از طریق حس‌ها و مجموعه‌ای از اطلاعات در تلاش برای کشف حقیقت متکی است. این دو در اثبات‌گرایی منطقی و عمل‌گرایی ترکیب شده‌اند.» در دوره مدرن، اثبات‌گرایی منطقی شدیداً بر سایر بینش‌ها غلبه داشت و در کل دوره مدرن را باید دوره اثبات‌گرایی^(۱) دانست. رهیافت‌های کلاسیک به روابط بین‌الملل عمدتاً توسط تاریخ و حقوق شکل یافته بودند تا علوم طبیعی. به نظر می‌رسد که نخستین صحنه مطالعه روابط بین‌الملل بر جنبه‌های مفهومی بسیار بیشتر از جنبه‌های توضیحی توجه نموده است. بدین ترتیب این متصفانه خواهد بود که ادعا شود رهیافت‌های اثباتی در پیچه روش تسریع علمی را در روابط بین‌الملل گشودند که موفقیت یا ناکامی در پیش‌بینی‌ها، کلیدی برای شناختن همبستگی علمی بین متغیرها بود.

پوزیتیسم که خود از مراحل مختلفی عبور نموده و به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌گردد،

1. úkenter, Renata, the art of possible: the scenariomethod and the (third Debate) in internatinal Relations , university of Amesterdam, November 1998, in: <http://www.deruijter.net/en/articles/pdf/kenter.pdf> , p . 4.6

در کل بر پایه اصول زیر استوار بوده است :

۱- اعتقاد به یکپارچگی علم (تمامی علوم می‌توانند طبق مدل یکسان همانند علوم طبیعی شکل یابند). براساس این اصل، علم الاجتماع باید از لحاظ روش‌شناسی شبیه به علوم طبیعی شود.^(۱)

۲- تمایز قائل شدن میان واقعیت‌ها و ارزش‌ها (رهیافت اثباتی اعتقاد به عینیت‌گرایی داشته و معتقد است دانشمندان از طریق مشاهده عینی و رها از ارزش‌ها به حقیقت دست پیدا می‌کند).^(۲)

۳- اعتقاد به تصدیق یا ابطال‌پذیری تجربی.

براساس غلبه همین اصول پوزیتیسم در طول جنگ سرد بود که اکثر محققین تلاش می‌کردند قوانین عام حاکم بر رفتار و تعاملات دولت‌ها را در عرصه بین‌الملل کشف نموده و براساس آنها و مشابه علوم طبیعی دست به پیش‌بینی بزنند در بخش پایانی در این باره بیشتر صحبت خواهد شد.

بخش دوم: تشدید روند جهانی شدن و تغییرات شگرف جهانی

در این قسمت به پاره‌ای از تأثیرات مهم جهانی شدن اشاره می‌گردد که مورد توجه این نوشتار است و ما را در رسیدن به هدفمان - یعنی تغییر و تحولات صورت گرفته در دانش روابط بین‌الملل - کمک می‌کند. البته ضروری است که در ابتدا به برخی از روندها و وقایعی که با تسریع روند جهانی شدن همراه و همساز بوده‌اند، اشاره گردد. در واقع وضعیت تشدید روند جهانی شدن در اواخر قرن ۲۰ بدین گونه بوده که خود از عوامل به هم پیوسته مختلف ناشی شده، با عوامل به هم پیوسته مختلف (که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد) همراه و همساز شده و بر شدت یافتن هم پیوستگی و پیچیدگی عوامل گوناگون تأثیر گذاشته و نیروهای جدیدی را در عرصه بین‌الملل فعال نموده است.

1. Renatekener , Ibid

2. Kener, Renate , Ibid .

تغییرات و گرایش‌های چشمگیر در روابط بین‌الملل

جیمز فرگوسن به طور مفصل به ظهور چندین گرایش مهم از اواخر دهه ۱۹۸۰ اشاره می‌کند که موجب تحول روابط بین‌الملل در حوزه نظری و واقعی اش (مصادیقش) می‌گردد و آن را از تسلط موضوع روابط (دولت) - ملت و قدرت رها می‌کند. از جمله این روندها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **پایان جنگ سرد:** پایان جنگ سرد یک سلسله تغییرات وسیع را در نظام بین‌الملل موجب گردید و بیشتر سیاستمداران، استراتژیست‌ها و متفکرین روابط بین‌الملل را به حیرت واداشت. تقریباً هیچ‌کسی نتوانست تغییرات بزرگ دوره ۱۹۹۲-۱۹۸۹ را پیش بینی نماید. افول جنگ سرد موجب بروز چند تغییر عمده گردید از جمله کاهش ارزش نیروی هسته‌ای و همراه با آن کاهش تقدم قدرت نظامی و در مقابل افزایش چشم‌گیر ارزش توان اقتصادی که بر ثروت ملی، تجارت و نوآوری تکنولوژیکی و نفوذ در نظام مالی بین‌الملل استوار است. رالف پتمان با ابداع یک اصطلاح جدید و جالب این نظام را نظام «توزان سودمندی» نامیده است.

در واقع پایان جنگ سرد به معنای فروپاشی نظام دو قطبی حاکم و از بین رفتن نظم حاکم و پایان دوران ثبات و سادگی بود که فرصت مناسبی را برای نظریه‌ها و چارچوب‌های تحلیلی عقل‌گرا در تبیین امور بین‌المللی داده بود و به جای آن دوران دگرگونی و پیچیدگی شروع گردید. سید عبدالعلی قوام نیز در این باره می‌گوید: «پایان جنگ سرد علاوه بر آن که حاکی از فروپاشی کمونیسم و نظام دو قطبی بوده، در عین حال بسیاری از ارزش‌های عصر روشنگری را مورد سؤال قرار داد.

۲- **تحول موضوعی در روابط بین‌الملل:** در جهان در حال گذار کنونی با کاهش اهمیت برخی موضوعات و مسائل نظیر کاهش خطر رویارویی هسته‌ای، موضوعات دیگری نظیر احیای ناسیونالیسم، منازعات - بنیادگرایی و قوم‌گرایی در بخشی از جهان به صورت یک تهدید برای صلح و امنیت و هم‌گرایی ملت‌ها اهمیت یافته است و به ویژه یک سری از موضوعاتی که در گذشته دارای اهمیت ثانویه بوده و در چارچوب «سیاست سفلی» مرد

توجه قرار می‌گرفتند، اهمیت محوری یافته‌اند. اکثر این موضوعات جدید در دستور کارهای اصلی و جدی سیاست بین‌الملل قرار گرفته‌اند، مانند نگرانی‌های محیط زیستی و تغییرات آب و هوایی، مهاجرت، حرکت‌های مردمی، پناهندگان و کارگران غیرقانونی، فقر و توسعه نیافتگی که اغلب به عنوان منابع بی‌ثباتی نظامی و سیاسی گسترده تلقی می‌گردند، موضوعات جنسیتی، توسعه شهری غیرقابل کنترل و بحران‌های شهری، خطرات بهداشتی نظیر بیماری‌های خطرناک مسری نظیر ایدز (AIDS)، سارس (SARS)، در روابط بین‌الملل و دستور کارهای مربوط به تکنولوژی‌های ارتباطی جدید نظیر نابرابری عظیم در سطح جهان در دسترسی به تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطی، مطرح شدن تجارت الکترونیکی و یا نظارت الکترونیکی و...

۳- جهانی شدن: در کنار این تغییرات شگرف می‌توان به روند مهم دیگری نیز اشاره نمود که خود تغییرات فوق‌الذکر چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم متأثر از آن بوده‌اند. این روند مهم همان جهانی شدن است.

جهانی شدن از منظرهای مختلف از اوایل دهه ۱۹۹۰ تأثیرات و پیامدهای مهمی را در پی داشته است از جمله در زمینه دانش و خصوصاً در حوزه و روابط بین‌الملل.

«یان آرت شولت» در کتاب ارزشمند خود با عنوان «جهانی شدن: یک مقدمه انتقادی» در بخشی به تأثیرات جهانی شدن در زمینه دانش عقل‌گرا می‌پردازد. وی معتقد است که در اثر جهانی شدن دانش عقل‌گرا تا حدود زیاد بازتابی و خود انتقادی شده است و زمینه برای خود بازبینی آن فراهم شده است. «از نظر معرفت‌شناسی، مشکلات جهانی مثل تخریب محیط زیست و بحران‌های مالی موجب توجه و بررسی بیشتر محدودیت و خطرهای بالقوه عقل‌گرایی شده است. از نظر هستی‌شناسی، جهانی شدن معاصر موجب ترویج برداشتی متفاوت از دنیا شده. در این برداشت عقل به کار گرفته می‌شود و همچنین درک متفاوتی از سرعت و تغییر شکل گرفته است و از نظر روش‌شناسی، گسترش فوق‌قلمروگرایی به ایجاد زمینه‌های جدید برای پژوهش، رویکرد‌های جدید به آموزش و پرورش، سواد جدید و انواع شواهد علمی نوین کمک کرده است. در زمینه زیباشناسی، جهانی شدن باعث تسهیل

ظهور شکل‌ها و برداشت‌های جدید از زیبایی شده است.

جهانی شدن به واسطه تأثیرات مختلفی که بر موضوعات گوناگون دارد، به شدت موجب بروز تحول در زمینه دانش گردیده است. در دانشی که تا پایان جنگ سرد چهره عقل‌گرایی، پوزیتیویسم و در کل مدرنیسم بر آن حاکم بود؛ در پی رشد چشمگیر تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی فوق‌قلمروی که به مدد جهانی شدن صورت گرفته است، بخش اعظمی از واقعیت مجازی گردیده است و این خود زمینه ساز تحول جدی در زمینه دانش روابط بین‌الملل و مطرح شدن و اهمیت یافتن نظریه‌های جایگزین در چارچوب آن گردیده است. از جمله می‌توان به نظریه مجازی^(۱) و مطرح شدن مفاهیم جدیدی در قالب آن نظیر جنگ مجازی^(۲) و دیپلماسی مجازی^(۳) حتی حکومت مجازی اشاره نمود.

همچنین در پی تشدید روند جهانی شدن، شکل جنگ‌ها و تعارضات نیز تحول یافته است و جنگ‌ها از حالت بین‌دولتی به درون‌دولتی تغییر چهره داده و نیروی نظامی دارای کاربرد بسیار محدود برای دستیابی به اهداف ملی گردیده و خطر بروز جنگ هسته‌ای کاهش یافته و در مقابل شکل‌های استفاده از سلاح‌های متعارف و محدود تداوم یافته است. (حتی در شکل وسیع‌تر البته کم‌شدت و کم‌دامنه‌تر)

همان‌گونه که قبلاً اشاره رفت، جهانی شدن به جز موارد فوق از جنبه‌های متعدد دیگر بر دانش و نظریه روابط بین‌الملل تأثیر گذارده است؛ به عنوان مثال یافتن گروه‌های سابقاً به حاشیه رانده شده در عرصه بین‌الملل؛ افزایش نقش بازیگران غیر دولتی نظیر NGOs (سازمان‌های غیرحکومتی) و... ولی بدون شک مهم‌ترین تأثیر مستقیم جهانی شدن بر دانش روابط بین‌الملل مربوط به تأثیرات آن بر دولت و نقش و ماهیت آن در عصر جدید می‌باشد.

دولت - ملت در عصر جهانی شدن

همان‌گونه که در بخش قبلی اشاره شد، رشته مطالعاتی روابط بین‌الملل یا به تعبیری

1. Virtual theory

2. Virtual Diplomacy

3. Virtual war

بهتر «روابط بین‌الملل» از بدو تکوینش، به طور کلی دولت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی و محوری فرض کرده و به سایر بازیگران یا هیچ توجهی مبذول نداشته و یا در حاشیه و تابع دولت مورد عنایت قرار داده است. با تشدید روند جهانی شدن از اواخر دهه ۱۹۸۰ و به ویژه اوایل دهه ۱۹۹۰ و با ظهور نشانه‌های کاهش نقش دولت در عرصه بین‌الملل و در مقابل افزایش نقش سایر بازیگران غیردولتی، برخی به این نتیجه رسیدند که نظریه روابط بین‌الملل با بحران مواجه شده و حتی برخی پا را فراتر گذاشته و حکم به پایان یافتن این چارچوب مطالعاتی دادند زیرا براساس نظر آنان با کاهش تدریجی نقش دولت و دانش روابط بین‌الملل از بین رفته و این رشته تا حدود زیادی کارکرد خود را در عصر نوین جهانی شدن از دست می‌دهد. از سوی دیگر برخی (همچون رئالیست‌ها) در دفاع از دولت و جایگاه آن سعی به اصلاح نظریه خود نمودند و همچنان بر این امر پای فشردند که دولت در عصر جهانی شدن نیز به عنوان بازیگر محوری و مهم باقی خواهد ماند. پس از سپری شدن بیش از یک دهه از تسریع روند جهانی شدن و با ورود به قرن ۲۱، چشم انداز مطلوبی از نقش و جایگاه دولت در عصر نوین به دست آمده است.

دولت، در این دوره سپری شده به عنوان بازیگر عمده و مهم جایگاه غالب خود را حفظ نموده است ولی تغییرات نیز در ماهیت و سطح جایگاه او ایجاد شده است که بر دانش روابط بین‌الملل تأثیر مهمی گذاشته است.

«در چند سال اخیر، برخی از حوزه‌های موجود در نظریه روابط بین‌الملل دچار یک بازنگری اساسی شده‌اند که این بازنگری به طور عمده مربوط به نفوذپذیرتر شدن ماهیت دولت سرزمینی می‌شود. این بازنگری‌ها موجب زیر سؤال رفتن تصوراتی چون وجود اقتصاد ملی (در رشته اقتصاد سیاسی بین‌الملل)، اعتبار و کارایی دولت به عنوان تأمین‌کننده امنیت (در قالب مطالعات امنیتی) هویت حفظ دولت (در نظریه‌های هنجاری روابط بین‌الملل) و قابل حفظ و پیگیری بودن نهادهای دموکراتیک بر مبنای دولت سرزمینی (در نظریه سیاسی) شده است» در عصر جهانی شدن هر اندازه که برد دایره مصادیق جهانی افزوده شده است. در عصر کنونی امنیت جهانی، عدالت جهانی، دموکراسی جهانی، شهروند جهان و حتی

حکومت جهانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار گردیده است. جهانی شدن «این عقیده را که دولت از لحاظ تاریخی دارای هویتی ثابت است را زیر سؤال برده» و «مفاهیم سنتی حاکمیت، ملیت و مرزبندی‌های ایدئولوژیک و از این قبیل را» دچار تحول و تزلزل کرده است و زمینه را برای انتقال برخی از کارکردها و بخشی از قدرت آن را با سایر بازیگران مهیا نموده است ولی با این حال دولت هنوز با نیروی فراوانی به بقای خود ادامه می‌دهد و به آسانی عرصه را به نفع سایر بازیگران رها نکرده و نخواهد کرد. حوادث بزرگ در آغاز سده جدید تأیید کننده این نکته می‌باشد که دولت‌ها از هر فرصت جدید برای اعاده جایگاه و حفظ محوریت خود استفاده خواهند کرد.

بخش سوم: نوزایی روابط بین‌الملل در دوره پسامدرن

با توجه به وقایع و تغییرات شگرف و فعال شدن نیروهای جدید که از اواخر دهه ۱۹۸۰ و به ویژه اوایل دهه ۱۹۹۰ در جهان روی داده، رشته روابط بین‌الملل به شدت متحول گردیده و به نوعی از نو و براساس پایه‌ها و چارچوب‌های فکری جدید در جهت سازگاری هر چه بیشتر با ضرورت‌های و ویژگی‌های جهان معاصر و برای افزایش قدرت و تفسیر مسائل نوین خود را باز تولید نموده است.

اتحاد جماهیر شوروی، فروپاشی نظم جنگ سرد و خصوصاً تشدید روند جهانی شدن و بروز تغییرات و فعال شدن نیروهای جدید متأثر از آنها، روابط بین‌الملل را از منظر «هدف»، «موضوع» و «روش» دچار تحول نموده است. دانش کنونی روابط بین‌الملل از هر نظر بسیار پیچیده‌تر، گسترده‌تر و البته به گونه‌ای آشفته‌تر از دوره جنگ سرد است. همان‌گونه که نظم جنگ سرد و نوع تعاملات بین دو ابرقدرت و سایر قدرت‌های بزرگ و تلاش برای حفظ نظم حاکم ماهیت و ویژگی‌های دانش و نظریه روابط بین‌الملل را شکل می‌داد؛ در دوره پس از جنگ سرد و به واسطه از بین رفتن نظم سابق، ورود نیروهای آشوب ساز متعدد در عرصه بین‌الملل و تشدید روند جهانی شدن با ویژگی بارز آن یعنی قلمرو زدایی و... دانش روابط بین‌الملل نیز شکل و معنای خاصی به خود گرفته است که در ادامه در طی سه قسمت مورد

بررسی قرار می‌گیرد.

الف - هدف دانش روابط بین‌الملل در دوره پسامدرن

با فروپاشی نظم جنگ سرد، نوعی آشوب در عرصه بین‌الملل روی داد و تلاش‌های ابرقدرت پیروز برای برقراری نظم نوین جهانی ثمر چندانی نداشت و تا حدود زیادی خود بی‌نظمی جهانی را گسترش داد. با تشدید روند جهانی شدن و تأثیرات شگرف آن در زمینه کاهش نقش محوری دولت‌ها، و به ویژه افول حاکمیت دولت، افزایش نقش و اهمیت سایر بازیگران به ویژه آنهایی که در دوره جنگ سرد به حاشیه رانده شده بودند و افزایش آگاهی جهانی به ویژه در زمینه نابرابری و بی‌عدالتی جهانی و بالاخره تسهیل چشمگیر ارتباطات و کسب و انتقال اطلاعات (که در وجه منفی نیروهای تروریستی را در سطح جهان افزایش داده، وضعیت بی‌نظمی جهانی را تداوم بخشیده است. جهانی شدن در برابر خود نیروی دیگری را نیز فعال نموده و آن‌گرایش «محلی شدن» است که به شدت بر تداوم بی‌نظمی تأثیر گذارده است. در گرایش محلی شدن، مناطق کوچک، خرده فرهنگ‌ها، گروه‌های قومی، ایالات و مناطق جدایی طلب و... در تلاش برای خودمختاری، نهادهای محلی را تقویت می‌کنند. در این باره می‌توان به مثال‌های چندی اشاره کرد: از جمله منطقه کاتالان و جدایی طلبان باسک در اسپانیا، برخی گروه‌های فرهنگ محلی در هندوستان در نواحی نظیر آسام، پنجاب (جدای طلبان سیک)، کشمیر و نیز گرایش‌های مهمی که در بالکان موجب تولد کشورهای کوچکی نظیر بوسنی، کرواسی و... گردید و یا تلاش‌های گروه‌های قومی در قفقاز برای دولت‌سازی نظیر چچن‌ها و... اگر چه جهانی شدن در مقابل محلی شدن قرار دارد ولی هر دو در ارتباط با یکدیگر و با تأثیر گذاری متقابل به تعاملات جهان شکل می‌دهند، به تعاملات پیچیده‌ای که ویژگی بارز آن بی‌نظمی است. بنابراین با توجه به بروز و تداوم بی‌نظمی در صحنه بین‌الملل، هدف نظریه و دانش و روابط بین‌الملل در دوره جدید متوجه برقراری و ایجاد نظم گردیده است. البته نظمی عادلانه و نظمی که رهایی بشر را در سرلوحه اصول خود داشته باشد. این نوع نظم عادلانه به ویژه از سوی نظریه پردازان انتقادی و خصوصاً در قالب مکتب فرانکفورت و طرفداران نظریه هنجاری دنبای می‌شود.

در اکثر آثار نویسندگان و محققین روابط بین‌الملل و حتی سخنان سیاستمداران در بیش از یک دهه اخیر می‌توان تأکید بر این نوع نظم را مشاهده نمود. نظمی که براساس عدالت و حقوق انسانی استوار است. تفکر و تلاش برای برقراری چنین نظمی، خود عامل اصلی نزدیکی دوباره نظریه روابط بین‌الملل به فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق گردیده است.

ب- موضوع دانش روابط بین‌الملل در دوره پسامدرن

آشوب جهانی در دوره پس از جنگ سرد، دانش روابط بین‌الملل را از نظر موضوع نیز مختل نموده است. در دوره جنگ سرد و به طور کلی از ابتدای شکل‌گیری دانش روابط بین‌الملل، دولت و تعامل قدرت موضوع اساسی، محوری و غالب در نظریه روابط بین‌الملل بوده است. در دوره پس از جنگ سرد و با تشدید روند جهانی شدن؛ اگر چه همان‌گونه که جیمز روزنا می‌گوید: «جهان هنوز هم جهان دولتهاست» ولی از نقش و جایگاه آن کاسته شده و به ویژه جنبه حاکمیت آن افول نموده است. جهانی شدن موجب تقویت انواع متعدد جوامع غیردولتی نظیر قوم - ملت‌ها، ملت‌های منطقه‌ای و ملت‌های فراجوانی شده و موجب نیرومند شدن سایر بازیگران غیردولتی نظیر گروه‌های قومی، نژادی، گروه‌های جنسیتی، سازمان‌های فراملی، گروه‌های طرفدار محیط زیست و حتی گروه‌های تروریستی (که به طور شبکه‌ای عمل می‌کنند) و ... شده است که هر یک به نوعی بر طراحی و اولویت‌گذاری دستور کارهای جهانی تأثیر شدیدی می‌گذارند. رهیافت‌های نوین در روابط بین‌الملل نظیر پست مدرنیسم، فمینیسم، مکتب انگلیس (جامعه بین‌المللی)، نظریه‌های هنجاری و ... هر یک به موضوعات جدیدی در عرصه بین‌الملل می‌پردازند که بسیار متفاوت از گذشته می‌باشد. در واقع جهانی شدن مستلزم نظریه‌هایی است که بازیگران غیردولتی، جنبش‌های اجتماعی و ... را مورد توجه قرار دهند. دولت و تعامل قدرت هنوز هم به عنوان موضوع مهمی مورد توجه نظریه روابط بین‌الملل است ولی در کنار آن موضوعات دیگری همچون حکومت جهانی، گروه‌های به حاشیه رانده شده، گروه‌های فروملی و فراملی و ... و در ارتباط با آنها عدالت جهانی، حقوق بشر جهانی، تعاملات انسانی، رهایی بشر، توسعه پایدار و ... نیز مورد توجه فراوان می‌باشد.

ج- روش‌شناسی در روابط بین‌الملل در دوره پسامدرن

در دوره پس از جنگ سرد با توجه به وقوع بی‌نظمی جهان، افزایش نابرابری، بی‌عدالتی و شکاف جهانی به ویژه افزایش آگاهی و حساس‌تر شدن افکار عمومی جهان به این بی‌عدالتی و مشکلات و دغدغه‌های مشترک جهانی، در عرصه پژوهش روش‌های تجویزی و هنجاری با زیر بناهای فلسفی - اخلاقی نیرومندتر شده و روش‌های اثباتی - تجربی صرف شدیداً مورد نقد قرار گرفته و به حالت تدافعی کشانده شده‌اند.

در واقع ویژگی بارز روش‌شناسی عصر نوین، به نقد کشیده شدن روش‌های پوزیتیویستی و تجربی و رد بسیاری از ادعاهای آنها و به چالش کشیده شدن روش‌های محدود شده علمی است. یکی از اصول بنیادی روش‌های اثباتی که در پس تحولات جدید شدیداً به زیر سؤال رفته است، اصل «پیش بین‌پذیری علمی» است. «در پرتو تحولات شگرف ارتباطات رسانه‌ای و الکترونیکی و دستیابی به قالب‌ها، الگوها و پارادایم‌های جدید ظرفیت تبیین و پیش‌بینی ما از روند حوادث و تکانه‌های شدید و بحران‌ساز آینده نیز تغییر کرده است» و در واقع در پی تشدید روندهای جدید و وقوع وقایع چشمگیر جهانی نظیر فروپاشی دیوار برلین، فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد و تجربه اتحاد جماهیر شوروی، وقوع جریان‌های تجزیه‌طلبانه در برخی مناطق جهان - از جمله یوگسلاوی - و زایش کشورهای متعدد جدید و وقایع و تحولات بزرگ و متعدد دیگر همه مهر تأییدی بر رد اصل پیش‌بین‌پذیری علمی روش‌های اثباتی و تجربی بود. جیمز روز با طرح سؤالات مهمی که در عصر جهانی شدن اهمیت پیدا کرده‌اند، این نارسایی روش شناختی را به خوبی تشریح می‌کند: «... در راه بسط روش‌شناسی‌های مناسبی برای درک جهان که در آن دگرگونی‌های پویا و تناقضات فراگیر امری معمول است، با چالش‌های بزرگی روبرو هستیم. چگونه باید دیالکتیکی را که گرایش‌های جهانی شدن و محلی شدن را به هم پیوند می‌دهد، ردیابی و درباره آن تحقیق کرد؟ چگونه باید آزمود که آیا وفاداری‌ها و مفاهیم شهروندی در حال تغییر است یا نه؟ چگونه باید دگرگونی پدید آمده در ساختارهای بزرگ و غول‌آسا، فرایندهای بزرگ، و مقایسه‌ای عظیم پایه می‌گیرند؛ پرسش‌هایی که تجربه‌گرایان را که پای‌بند تأیید

مشاهدات کلی با داده‌های محکم و اسلوب‌مند هستند هاج و واج می‌کنند.» ولی آیا با ورود به دوره پس از جنگ سرد و رد بسیاری از اصول و مفروضات اثبات‌گرایان، روش‌شناسی‌های جدیدی در روابط بین‌الملل شکل یافته‌اند.

اختلاف نظر بر سر روش در روابط بین‌الملل از بدو تکوین این رشته وجود داشته ولی با توجه به غلبه پوزیتویسم و روش‌های تجربی، اختلاف نظرها در درون آن پارادایم غالب مطرح بود و در کل پژوهشگرانی که در چارچوب روش‌های اثباتی و تجربی به مطالعه می‌پرداختند؛ در اصول و مفروضات بنیادی به یکدیگر نزدیک بوده و نوعی اجماع نظر نسبی وجود داشت ولی در دوره پس از جنگ سرد و با تشدید پیچیدگی و آشفتگی و آشوب جهانی در این حوزه نیز شدیداً نمود پیدا کرده است. عمل نمودن در قالب روش‌های واحد و محدود یا به کلی رد شده و یا با یک دیدگاه معتدل ترکه در تلاش برای پرکردن شکاف بین نظرات اثباتی و تجربی و دیدگاه‌های انتقادی جدید است، یک رویکرد نوین یعنی «روش‌شناسی تکثرگرایانه» و نگرش چند بعدی مورد تأکید قرار می‌گیرد؛ که در دوران فرانوگرایی می‌تواند به بسیاری از مشکلات و تنگناهای پژوهش پایان دهد. در این رویکرد نوین وجود روش برای مطالعه و تحقیق ضروری است ولی این امر نیز مورد تأکید است که نباید صرفاً خود را محدود به روش خاصی کنیم و در واقع یک مسأله دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی است که شاید برای مطالعه جنبه‌های متکثر استفاده از روش‌های مختلف و متکثر کارآمدتر خواهد بود.

در دوره پس از جنگ سرد و تشدید روند جهانی شدن، به دلیل ماهیت چند بعدی فرایند جهانی شدن و پیچیده‌تر شدن مسائل و تعاملات؛ این رویکرد خود را کارآمدتر جلوه داده است. تکثر روش شناختی با ماهیت رشته‌های مطالعاتی نوین در علوم نظری به ویژه روابط بین‌الملل که عمده‌تاً چند رشته‌ای، میان رشته‌ای و پسا رشته‌ای هستند همخوانی بیشتری دارد. اهمیت یافتن چشمگیر موضوعات اقتصادی، مالی و تجاری و فاکتورهای فرهنگی، تمدنی و نیز اجتماعی در سطح بین‌الملل، ذهن نظریه پرداز و محقق روابط بین‌الملل را از قالب‌های تک بعدی و محدودیت‌های روشی گذشته رها کرده و توجه به فاکتورهای

غیرمادی، هنجاری و ارزشی (مانند عدالت، حقوق بشر، رهایی و...) را در کنار عوامل مادی محوری ضروری‌تر نموده است.

در کل جهانی‌شدن در زمینه روش‌شناسی، بیشترین تأثیر را بر نگرش به پژوهش، فرایند‌های آموزش و یادگیری و ماهیت شواهد تجربی داشته است. به طور نمونه در زمینه یادگیری شواهد باید گفت که در اثر جهانی‌شدن اندازه و انواع شواهد تجربی در دسترس انسان از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی جدید به ویژه اینترنت بسیار افزایش یافته است. به یاری ابزارهای نوین جمع‌آوری اطلاعات، متحقق روابط بین‌الملل در عصر کنونی می‌تواند به انبوهی از منابع دسترسی داشته باشد و به آسانی به مطالعه و پژوهش بپردازد. البته این دسترسی آسان به انبوهی از منابع و اطلاعات از یک نظر تأثیر منفی نیز می‌تواند داشته باشد و آن فشارهای روانی شدیدی است که در پی آن وضعیت بر فرد (محقق) وارد می‌آید و به گونه‌ای ورودی، اطلاعات از محیط به مراتب می‌تواند بسیار بیشتر از ظرفیت فکری فرد باشد.

نتیجه‌گیری

دانش روابط بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن به شدت متحول گردیده و پس از مناظره سوم در روابط بین‌الملل که حاصل آن به چالش کشیده شدن و عقب‌نشینی چارچوب‌های فکری و نظریه‌های عقل‌گرا و اثباتی در مقابل نظریه و الگوهای فکری انتقادی و فرااثباتی بوده است، وارد فاز جدیدی شده است که عنوان «نوزایی» برای آن بسیار زینده‌تر است. در پی تأثیرات چشمگیر جهانی‌شدن و وقایع و تغییرات تعیین‌کننده جهانی - که از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ موجب حیرت نظریه‌پردازان و ناظران بین‌المللی گردید - دانش روابط بین‌الملل از سه منظر هدف، موضوع و روش دچار تحول شده است و هدف دانش نوین روابط بین‌الملل با توجه به شرایط و جریان‌های حاکم بر نظام بین‌الملل، تلاش برای برقراری و ایجاد نظامی عادلانه و رهایی‌بخش است، نظامی که در شکاف‌های جهانی کاسته شده و عدالت به معنایی واقعی در شکلی وسیع تحقق یابد. حقوق بشر و دموکراسی

جهانی تضمین گردیده و فدای تعاملات و بازی های قدرت و منافع نگردد و صلحی همه جانبه تأمین گردد. این خواسته برای چنین نظامی، نظریه روابط بین‌الملل را به فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق نزدیکتر نموده و زمینه برای تجویزها و ارزش‌ها در کنار هست‌ها و واقعیت‌ها مورد توجه فراوان قرار گرفته است. از منظر موضوع نیز در عصر جهانی شدن، دولت - ملت بسیاری از نقش‌ها و کارکردهای محوری خود را در برابر نیرومند شدن سایر بازیگران از دست داده است و بسیاری از موضوعات که در گذشته آنها به چشم سیاست سفلی نگریسته می‌شد مانند نگرانی‌های محیط زیستی، فقر و توسعه نیافتگی، خواسته‌های قومی، جنسی و نژادی و... تبدیل به موضوعات محوری و دستور کارهای مهم دانش روابط بین‌الملل گردیده‌اند. از منظر روش‌شناسی نیز در عصر جهانی شدن، به واسطه مجازی شدن بخش اعظمی از واقعیت، اهمیت یافتن هر چه بیشتر ارزش‌ها و هنجارهای جهانی، و به هم تنیدن پیچیده‌تر موضوعات به یکدیگر و... اجماع نظر نسبی محققین و نظریه‌پردازان را در پیرامون اصول و مفروضات بنیادی اثباتی و تجربی به چالش کشیده و دیدگاه‌های جدید جایگزین نیرومندتر نموده است که بر این اساس فهم مسائل بر توصیف و پیش‌بینی پذیری علمی تقدم داشته، واقعیت‌ها و ارزش‌ها (هست‌ها و باید‌ها) در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته (گشوده شدن زمینه برای روش‌های تجویزی در سطحی وسیع) و تحقیق در چارچوب روشی محدود و صرف رد شده و بنا بر ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوعات از روش‌های متکثر در کنار یکدیگر استفاده می‌گردد (تکثرگرایی روش‌شناختی) دانش روابط بین‌الملل که - از ابتدا به عنوان یک دانش بین رشته‌ای مطرح بوده است - در سالیان اخیر برای فهم و تبیین بهتر و کارآمد مسائل موضوعات جدید و پیچیده به سایر رشته‌ها نظیر انسان‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، فلسفه اخلاق، جامعه‌شناسی و... توجه بیشتری مبذول داشته و بیش از گذشته و امدار آنها گردیده است. با توجه به مسائل و مشکلات جهانی و دغدغه‌های مشترک بشری بی‌شمار و در حال افزایش، دانش روابط بین‌الملل همچنان پویایی خود را حفظ کرده است و در بسیاری از حوزه‌ها خود را بسط می‌دهد. دانش روابط بین‌الملل با عبور از بحران معرفت‌شناختی اوایل دهه ۱۹۸۰ به سوی نظم و آرامش حرکت

❖ ۲۱۸ دانش روابط بین‌الملل در عصر نوین جهانی

می‌نماید. حرکت به سوی نظمی که بازتاب نظم جهانی در حال ایجاد شدن، نظمی عادلانه و یا آن گونه که طرفداران نظریه انتقادی می‌گویند، نظمی رهایی بخش خواهد بود؟ و آیا در صورت ایجاد چنین نظمی نظریه روابط بین‌الملل نیز عادلانه‌تر طرح ریزی نخواهد شد؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ۱- آرت شولت، یان، نگاهی موشکافانه برپدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
 - ۲- حاجی یوسفی، امیرمحمد، «مفهوم سازی های مختلف دولت در نظریه روابط بین‌الملل با تأکید بر دیدگاه های رابرت کاکس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۶-۱۴۵، مهر و آبان ۱۳۷۸.
 - ۳- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶.
 - ۴- دیوتاک، ریچارد و دردریان، جیمز، نظریه انتقادی پست مدرنیسم، نظریه مجازی در روابط بین‌الملل، ترجمه حسین سلیمی، تهران نشر گام نو، ۱۳۸۰.
 - ۵- رنگر، آن، جی، روابط بین‌الملل، نظریه سیاسی و مسأله نظم جهانی، فراسوی نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه لیلا سازگار، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲.
 - ۶- روزنا، جیمز، جهان آشوب زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
 - ۷- سریع القلم، محمود، سیر روش و پژوهش در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.
 - ۸- قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
 - ۹- قوام، سید عبدالعلی، جهانی شدن و جهان سوم، روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲.
 - ۱۰- کاظمی، علی اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست (نقد و تحلیل نظری، معرفت شناختی)، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۰.
 - ۱۱- کاظمی، علی اصغر، روش و بینش در سیاست (نگرش فلسفی، علمی، روش شناختی)، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
 - ۱۲- کلارک، یان، جهانی شدن و نظریه روابط بین‌الملل، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۲.
13. " Assess the achievements of positivist approaches to Interntional Relations " , in : [http :// WWW . Geocities . com/ chapeaus / Positivism .html](http:// WWW . Geocities . com/ chapeaus / Positivism .html) .
14. Ferguson, James, "The new global politics: alternative outlooks in a period of contested globalistion " , Bond University , Queensland, Australia, In : [http://www.international-relation.com/Wbadvir/WBADVIR - Lecl - 2003 / htm](http://www.international-relation.com/Wbadvir/WBADVIR-Lecl-2003/htm) .
15. Ferivalds , Laila and Straw, Jack, " A global order based on justice " , International Herald Tribune , The IHT Online (June 23. 2004) , [http :// www. Iht . com](http://www.Iht.com) .
16. " Introduction to philosophy of science " , In : [http :// www. tuta. hut . fi/ studies /](http://www.tuta.hut.fi/studies/)

courses- and- schedules/ Tps/ TU.53.401/ RMI . Mantere: , philosphy / pdf .

17. Kenter, Renate, " The art of possible: the scenario method and the << Third Debate >> in International Relations, University of Amesterdam, November 1998 , In: [http : // www. deruijter . net/ en/ articles/ pdf/kenter . pdf](http://www.deruijter.net/en/articles/pdf/kenter.pdf) .

18. Shuja, Sharif M . , "post - cold war international realations : trens and portents " , Contemporary Review (Feb, 2001) , In: [http : //www. Findarticles . com](http://www.Findarticles.com) .

19. Vekade, Jan Simon, " A' crisis in international relations ? " , Dublin City University , In: [http: // home . Kabelfoon . NI / Verkadej/ downloadsipe. pdt](http://home.Kabelfoon.NI/Verkadej/downloadsipe.pdt) .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی